

باستانی پاریزی

## کرمان در راه آزادی

در وقایع تشکیل حزب دموکرات قبل از جنگ بین الملل اول و تشکیل پلیس جنوب و مبارزات آلمان ها و انگلیس ها، در کرمان حوادث و وقایع مهمی رخ داده است.

اتفاقاً دوتن از کسانی که در جریان این واقعه بوده اند، یکی از جهت مثبت و یکی از جهت منفی، هر دو خاطراتی نوشته اند که بس جالب است و اهمیت دارد، نخستین سردار ظفر بختیاری است که حاکم کرمان بود و آزادیخواهان کرمان را دستگیر و تبعید کرد، دوم مرحوم احمد بهمنیار کرمانی (دهقان) که خود از دستگیر شدگان و تبعید شدگان بود و خواندن این وقایع از دید دو قطب حادثه بسیار جالب بنظر میرسد . (۱)

قبل از آنکه بنقل اصل این یادداشت ها پردازم، بد نیست فصلی در باب این وقایع بعنوان مقدمه نگاشته شود تا خوانندگان محترم، هنگام مطالعه یادداشتها بمثل این واقعه پی برده باشند.

این حوادث در واقع دنباله وقایعی است که در گیر و دار مبارزات - مشروطه خواهی در کرمان پدید آمده است .

اکنون باین حوادث توجه کنید.

در سر لوحه مبارزات مردم که منتهی بمشروطیت شد. نام دوتن کرمانی : شیخ احمد روحی و آقاخان بردسیری روشنتر از دیگران بچشم میخورد ، اما آزادیخواهان کرمان همین دوتن نبوده اند. این دوتن از جمله آنها بودند که دست و پائی

آوار گمان  
کرمان

داشتند و از ظلم حکام گریختند و از کرمان دور شدند، اما بودند کسانی که در همان شهر دست از افکار خود برنداشتند و هر چه ظلم دیدند خاموش نماندند و بسا که تهمت بددینی و بی‌دینی نیز خوردند اما امروز که شرح حال آن‌ها را مطالعه می‌کنیم متوجه می‌شویم که این تهمت از جای دیگر آب می‌خورده است .

در این مبارزات باید گفته شود که کرمان سهم بزرگی دارد و درین سطور گوشه‌ای از آن نموده می‌شود؛ خصوصاً که کرمان از جهت دخالت بیگانگان و مخصوصاً انگلیس‌ها صدمات بسیار دیده است. ظلم بی‌حد و حساب سه تن کرمانی را از شهر آواره کرد:

نخست میرزا آقاخان بردسیری بود او بملت حسابسازی میرزا سید کاظم پیشکار عبدالحمید میرزا ناصرالدوله ( که علاوه از پرداخت اصل مالیات هفتاد هزار تومان اضافه بنام تفاوت عمل و ۳۰ هزار تومان هم حق‌والی دریافت می‌کرد) حدود ۳ هزار تومان بدهی پیدا کرد و چون نمیتوانست پرداخت باریق صمیمی خود شیخ احمد روحی فرار کرد و باصفهان و از آنجا باسلامبول رفت و به حضور سید جمال‌الدین اسدآبادی رسید. (۱)

دیگری میرزا رضا کرمانی که در تهران در منزل امین‌الضرب ( پدر آقایان مهدوی‌ها) با سید جمال‌الدین آشنا شد و چون بکرمان آمد او را توقیف کردند و پس از نجات بتهران رفت و کامران میرزا او را بزندان قزوین فرستاد و در انبارشاهی محبوب بود تا بخارج از ایران رفت و نزد سید جمال‌الدین رسید، و در بازگشت روز جمعه ۱۷ ذی‌قعدة ۱۳۱۳ کلوله او در شاه‌عبدالعظیم صدا کرد و ناصرالدین‌شاه بقتل رسید و بر اثر آن هم میرزا رضا کشته شد و هم شیخ روحی و آقاخان بردسیری که آن دورا از اسلامبول به تبریز آوردند و بقول مرحوم قزوینی و به دستور محمد علی میرزا آن‌ها را در خانه‌اش در زیر درخت نسترن - یکی - یکی را - سر بریدند و خود در بالاخانه تماشا

میکرد! سپس پوست سر آن دورا کنده و پر از گاه نموده و به طهران فرستادند. ۱

ده سال بعد فرمان مشروطیت بامضای مظفرالدین شاه رسید اما از اخلاف فدائیان راه مشروطیت کرمان کسی نان مشروطه را نخورد. ۲ و در واقع نان مشروطه کرمان را بعد از آن در بیشتر ادوار کسانی خوردند که نه تنها قدمی در راه مشروطه برنداشته بودند - بل سنگها در برابر چرخ های این انقلاب ملی نهاده بودند! و اغلبی هم اصولا کرمانی نبودند.

پنجسالی از شروع مشروطه گذشت. کوئی بردسیر موطن آقاخان در انتظار قربانی دیگری بود و این قربانی را هم گرفت و چون در باب این واقعه جائی توضیحی داده نشده، از جهت یاد از پاکبازان راه آزادی کمی مفصلتر از آن سخن میگوئیم:

پس از فتح تهران و شکست محمدعلیشاه در تهران دو حزب پیدا شد که اولی انقلابی بود و «دموکرات عامیون» نام داشت و دومی اعتدالی بود و «اجتماعیون» یا «اعتدالیون» نام گرفت. حزب دوم پناهگاه اعیان و شاهزادگان بود ولی دموکرات ها با اساسنامه ای تند و تیز هدفهای درخشانی را مطمح نظر قرار دادند که از آن جمله «انفکاک کامل قوه سیاسی از قوه روحانی» و «نظام اجباری» و «تقسیم املاک بین رعایا» و «قانون منع احتکار» و «تعلیم اجباری» و «مخالفت بامجلس اعیان (سنا)» بود.

شعاع این جنبش تحزب بکرمان کشید و کرمانیان که سالها در زیر سلطه خوانین قاجار و قدرت خاندان وکیل الملک و هم دخالت انگلیس ها و تقویت آنان گاه و بیگاه از این دو خانواده در جستجوی مفر و روزنه امید بودند این تشکیلات را مورد نظر قرار دادند و طولی نکشید که پرچم حزب دموکرات

۱ - وقیات معاصرین؛ مجله یادگار

۲ - فقط پسر میرزا رضا کرمانی چندسالی بعنوان پیشخدمتی در مجلس

بالا رفت.

معروف‌تر کسانی که در تقویت این حزب دخالت داشتند عبارت بودند از سیده مصطفی خان کاظمی - محمود درگاهی (دبستانی) - آقامهدی رئیس بلد - حاج حسین یاسائی - عبدالله خان پامناری - محمد میرزا ابوالفتح - آقا سید جوادی - ناظم التجار - آقامیرزا غلامحسین - احمد دهقان (بهنیاری) - ابوالقاسم (معروف بابوالقاسم شمر) - علی کاکو - آقامیرزا شهاب (پدر در کمر یقائی) و میرزا حسین خان رئیس نظمیه .

تبلیغات این حزب و جرایدی که داشتند چنان در شهر کرمان و نواحی اطراف جنبشی پدید آورد که شهر را یک پارچه آتش ساخته بود ، روزهای میتینگ سراسر بازار کرمان از جمعیتی که فریادهای امرگ یا استقلال ، میکشیدند عوج میزد دانش‌آموزان مدارس ملی خصوصاً در آن ایام تظاهرات بی سابقه‌ای داشتند .

حکام این عهد کرمان ( قوام‌الملک ، صارم‌الملک ۱۳۲۸ = ق و جلال‌الدوله مسعود ۱۳۲۹ ق ) چندان اقتداری نداشتند، علاوه بر آن، مرکز مملکت - تهران - خود آشفته‌تر از شهرستانها بود.

باید اضافه کنیم که در این دو سال، بلوچستان بالکل از حوزه اقتدار حکام کرمان خارج شده بود. گزارشهای آن زمان حاکی از مطالب مهمی است قونسول انگلستان مینویسد:

« طوایف بلوچی سرحد مشغول جمع‌آوری استعدادی هستند و ظاهراً مقصدشان غارت محال نرماشیر است (نوامبر ۱۹۰۹ = ذی‌الحجه ۱۳۲۷ ق ) ظاهراً ایالت تقاضای وجه نموده و دولت در جواب گفته که اگر مشارالیه نمیتواند طوایف بلوچ را مطیع نموده و مالیات از آنها بگیرد، دولت شخص دیگری را در نظر دارد. » ( ۲۸ ژانویه ۱۹۱۰ - محرم ۱۳۲۷ ق). در اوائل ژانویه کاغذی از سردار سعیدخان [بلوچ] به حکمران رسیده باین مضمون که: چون شما ( قوام‌الملک ) رئیس تمام ایلات فارس هستید و طوایف بلوچ شما را بخوبی میشناسند برای اطاعت و انقیاد شما

کاملاً حاضرند ولی چون دولت ایران بی قدرت و امورات مغشوش است بلوچها نمیدانند چه کنند؟ ( فوریه ۱۹۱۰ ) . قوام‌الملک بدلیل اینکه دولت تقویت لازمه را از او نکرده و املاک او را در فارس حفظ ننموده و به علاوه بدلیل این که در مدت غیبتش - که بلوک گردش رفته بود - نایب‌الحکومه وقت را غنیمت شمرده علیه او اسباب چینی و تهمیدات نموده، از حکومت استعفا داد. ( ژوئن - ۱۹۱۰ - ج ۱ ، ۱۳۲۸ ) . . . . . وضع کلیه این ایالت مغشوش است . . . در تاریخ ۱۵ ژوئیه یک دسته ۵۰۰ نفری سارقین فارسی سیرجان را احاطه نموده مشغول جدال بودند اهالی رفسنجان بی اندازه در وحشت اند . . . ( ژوئیه ۱۹۱۰ ) . . . بلوچستان ایران کاملاً از قدرت اختیار حکومت محلی بیرون . . . صارم‌الملک برادرزاده سردار جنگ قراست بکرمان بیاید . . .

نصرة السلطان نایب‌الحکومه بی کفایت و مورد تنفر و مخالفت

انجمن ولایتی و مردم است . ۱۰

کمیته دموکرات بسرعت در فکر تحکیم تشکیلات خود افتاد . همکاری و یک رنگی مردم کرمان در واقع از جهت مواد آئیننامه این حزب نبود ، بل از آن جهت بود که اولین پرچم در برابر یکصدسال حکومت جابرانه و اعمال آنان بلند شده بود و خصوصاً علیه انگلیسها که با تقویت دو دستکیها موجب بدبختی و بیچارگی مردم این نواحی بودند .

عجیب اینست که یکی از اعمال فعال انگلیس در ایران نیز نتوانسته است هدفهای بلند این عده را نادیده بگیرد و گوید:

« سالها بعد از آن ، من ( سرکلار مونت اسکرین ) باین نتیجه رسیدم که عدم توجه ما بنارضایتی این عده ( دموکراتها ) و جدی نگرفتن آذسان ، اشتباه تأسف آوری بوده است . حداقل اینعده نزدیکترین قشر به آن چیزی که میتوان نامش را « روشنفکران

ایران، گذارد. بودند و تنها گروه مخالف سیستم حکومتی خود کامه و منحط محسوب میشدند که سعی داشت کشور را بر طبق منافع خویش و در راهی غلط اداره کند. ۱

توفیق  
دموکرات‌ها

در واقع پیش از آن معمولاً شهر دچار دو دستگی هائی بود که برخی طرفدار و جزء ایادی وکیل‌الملکی‌ها بودند و جمعی طرفدار شیخیه، و

همین عامل بود که شهر سال قبل از این یعنی در سال ۱۳۲۳ ق (یکسال قبل از اعلام مشروطیت) منجر به چوب بستن آیت‌الله حاج میرزا محمد رضا شد.

این دودستگی مدتها ادامه داشت تا زمان شروع فعالیت حزب دموکرات واقع اینست که به قول سرکلارمونت اسکرین قنصل انگلستان در مشهد و کرمان: «یک نیروی سومی در کرمان وجود داشت و این نیرو را دموکرات‌ها تشکیل میدادند و مقامات رسمی کرمان به دو دسته کاملاً متمایز تقسیم میشدند: «باند شاهزادگان» و «باند سردار». این مسأله هم کاملاً آشکار بود که گروهی از ملاکین که هرگز در خود ایالت کرمان پیدایشان نمیشد قسمت اعظم ثروت ایالت و نیروی انسانی را در اختیار داشتند...» ۲

این نیروی سوم چنانکه گفتیم بسیار قوی شد و زمینه را برای بردن انتخابات و چیرگی بر اختلافات محلی و قطع ریشه‌های خانوادگی آماده میکرد خصوصاً که جوانی بسیار محبوب و باسواد و خلیق از اعضاء حزب دموکرات ریاست نظمی شهر را داشت و با این حساب بسیاری از توطئه‌هایی که علیه افراد پر شور و پاکدامن حزب دموکرات پدید می آمد نقش بر آب میشد. (ناتمام)

۱ - جنگ جهانی در ایران س ۶۹.

۲ - جنگ جهانی در ایران س ۹۰.